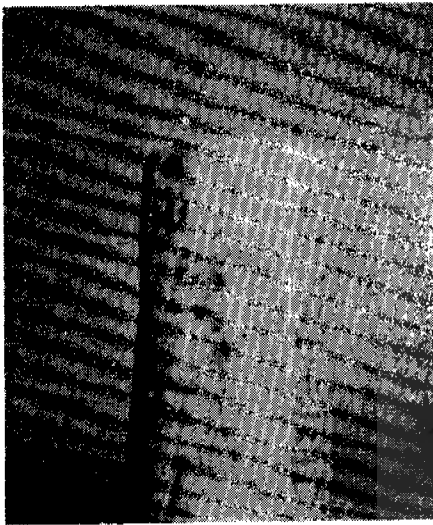


یک مهر استوانه‌ای بابل

مونیکا روشن ضمیر (داهنکه)



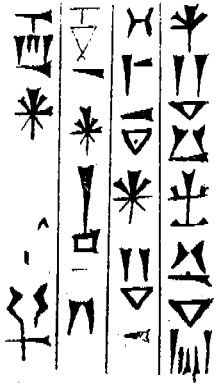
خاکستری‌رنگ ساخته شده است - ۲۷ میلی‌متر و قطر آن ۱۴ میلی‌متر میباشد. نقش و کتیبه‌ی چهارخطی روی آن تقریباً خوب مانده است ولی لبه بالا و وسط مهر، شاید در اثر استعمال زیاد و یا طول عمر، کمی سائیدگی پیدا نموده و در قسمت پائین آن نیز در دو جا بریدگی دیده میشود.

چندی پیش در بازار اصفهان یک مهر استوانه‌ای را جهت خرید بمن عرضه نمودند. فروشنده آنرا بعنوان مهر هخامنشی ارائه مینمود ولی هنگامیکه مهر مزبور را از نزدیک و با دقت ملاحظه نمودم با نظر اول دریافتم که آن مهر نیز، همانند تعداد زیاد مهرهای استوانه‌ای دیگر، متعلق به دوران بابل قدیم میباشد. طول این استوانه - که از سنگی

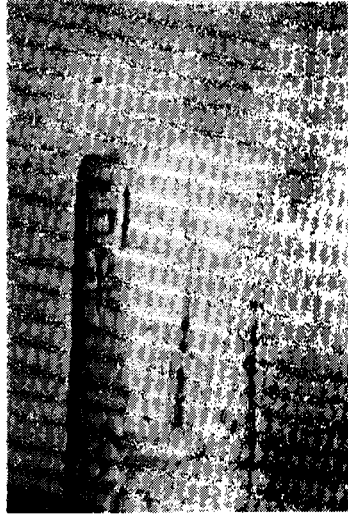
برای خواندن کتیبه ودقت بر روی نقوش آن ابتدا کوشش کردم تا طبق معمول از انتقال نقش بر روی موم استفاده نمایم ولی متأسفانه موفقیت حاصل نشد و نتیجه رضایت بخشی بدست نیامد. ناچار مهر را در مقابل آئینه قرار داده وبا دقت نوشته‌ها و نقوش آنرا بر روی کاغذ ثبت نمودم.

بطوریکه ملاحظه میشود، در این نقش غیر کتیبه نامبرده، صورت سه انسان و یک حیوان چهارپا نشان داده شده است. شخص سمت چپ متوجه نفر وسط گردیده است ولی بالائندی او از روبرو دیده میشود. دست راست وی بحال آزاد در





4 3 2 1



میرود. ولی با توجه به نقوش و متون کتب مربوط به آسور و آسورشناسی، این حرکت مخصوص نیایش و جزو اعمال مذهبی بوده است. محل و موقعیت قرار گرفتن این شخص در بالای یک حیوان، بامقایسه با سایر نقوش این سبک و این دوران، دلیل بر آنست که وی نیز جزو خدایان میباشد. لباسی که این شخص دربر دارد عبارت است از پیراهنی بلند که تا روی پا رسیده و در سمت جلو دارای شکافی است که از میان آن پای راست پوشانده آن بیرون آمده و نمایان است. دست چپ این شخص در بالا و دست راستش با داشتن زاویه‌ای بطرف پائین نمایش داده شده است. در بالای سر این شخص نیز چیزی شبیه به کلاه یا تاج دیده میشود. در پائین پای این پیکره نقش حیوانی دیده میشود که با توجه به وضع ظاهری اندامش - بویژه فرم سینه و دم حیوان - میتوان آنرا گاوی دانست و دو نقطه‌ای که در بالای سر او اثرش بجا مانده شاید معرف دو شاخ باشد. (ش ۴)

متن نوشته شده (خط میخی بابلی) روی مهر از پائین پای نفر اول آغاز گردیده و بطوریکه بدان اشاره شد شامل چهارخط میباشد بدینترتیب:

نگارنده بمنظور ترجمه و خواندن دقیق و کامل این متن رونویس آنرا عیناً



که تا روی پا کشیده شده است. این فرم لباس مخصوص خدایان مربوط به این دوران میباشد. در روی این دامن، از قسمت کمربت پائین، قسمتی پررنگ‌تر دیده میشود و احتمالاً هنرمند پیکرتراش میخواستند سمت چپ بدن این شخص را بطور وضوح نشان بدهد. (ش ۳ و ۱)

پیکره سوم روی نقش تقریباً همان حرکات نفر اول را، بحالت عکس، بخود گرفته است. یعنی درحالیکه بالانته او از روبرو نشان داده شده، سر و پاهایش در حالت نیمرخ نقش گردیده است و مثل آنکه در حالت رقص پای راستش را بطرف جلو برده و بسمت نفر وسط پیش

سمت راست قرار گرفته و دست چپ درحالیکه چیزی در دست گرفته در روی سینه‌اش واقع گردیده است. از لباس این شخص چیزی که جلب نظر میکند دامن یا پیشبندی است که گوشه‌ی آن در سمت جلو آویزان بوده و نمایش داده شده است. بطوریکه در تصویر بخوبی نشان داده شده است، این شخص کلاهی سه گوشه نیز بر سر دارد. (ش ۲ و ۱)

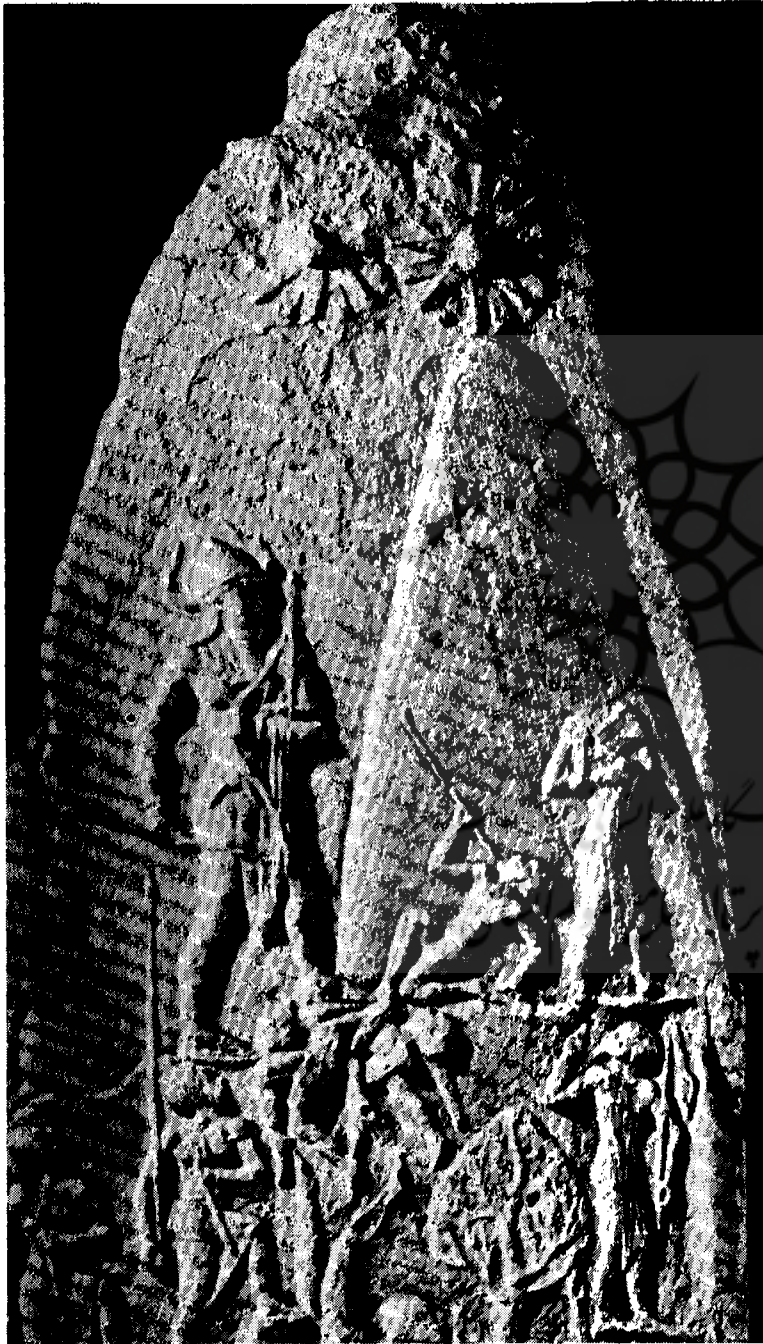
در قسمت بالای نقش میان نفر اول و دوم تماوریری دیده میشود که به احتمال نزدیک بیقین، نقوشی است از کرات آسمانی. (ش ۲ و ۳)

نفر وسط که بطرف سمت چپ نقش متوجه شده است کاملاً از نیمرخ نشان داده شده و از حرکت دو دست وی آشکار میگردد که در حال نیایش به درگاه خدایان مافوق خود میباشد.

بالانته این شخص - در روی مهر - تقریباً محو گردیده و از صورت وی تنها دماغ و چانه‌اش نمودار میباشد و در بالای سرش آثاری از یک کلاه، که همانند سرپوشهای سایر خدایان این دوران میباشد، نقش گردیده است. از لباس این شخص در قسمت بالا چیزی دیده نمیشود ولی دامن او بطوریکه نشان داده شده است، عبارت از دامن راه راه بلندی است

بابل ساخته شده و مورد استفاده قرار می‌گرفته است. که در روی این مهر تصویر سه نفر نقر گردیده و در متن کتیبه آن هم از نام سه نفر یاد شده است یعنی بنظر اینجانب موضوع جالب توجه دیگر این است

André Parrot: Sumer, London 1960, p. 177



همراه‌نامه‌ای توسط استاد ارجمند و دوست دانشمند آقای پرفسور والتر هینتس برای پرفسور دکتر بورگر Prof. Dr. Rykle Berger استاد آسورشناسی دانشگاه گوتینگن آلمان که معروفیت جهانی دارد فرستادم. پرفسور هینتس در اول ماه فوریه امسال پاسخ نامه من را داده و در آن چنین اظهار نظر نموده‌اند:

« در اصالت این مهر استوانه‌ای نمیتوان تردیدی بخود راه داد. این مهر متعلق بدوران بابل قدیم (سده ۱۸ تا ۱۷ پم) میباشد که دارای متن کاملاً صحیح بابلی میباشد و بطوریکه همکار آسورشناس من پرفسور دکتر بورگر اظهار داشته است، عبارات و ترجمه متن مزبور چنین میباشد: (ش ۵)

مردوك موباليت

DINGIR. MARDUK-mu-ba-li-it

پسر این مردوك

mar Ib-ni-DINGIR. MARDUK

خدمتكار خدای سین

Warad DINGIR. Sin

و خدمتكار خدای ادد

ù DINGIR. Adad

توضیح آنکه سین خدای ماه و ادد (چنانچه درست خوانده شده باشد) خدای طوفان و تغییرات هوا در بابل قدیم میبوده. این مهر استوانه‌ای، چنانچه بدان اشاره شد، در دوران بابل قدیم ساخته شده است. توضیح آنکه عصر مزبور در فاصله میان پایان دوران اور سوم Ur III و دوران از بین رفتن سلسله اول بابل بدست مورشیلی اول Murshili I. هیتی‌ها بسال ۱۵۹۴ پ م قرار داشته است. معروفترین شاه بابل حمورابی نام داشته که از سال ۱۷۹۲ تا ۱۷۵۰ پیش از میلاد سلطنت میکرده است.

شاید بتوان پذیرفت که مهر استوانه‌ای مورد بحث ما در زمان همین شاه معروف

4-Fischer Weltgeschichte: Die Altorientalischen Reiche I Frankfurt 1965.



E. Strommenger und M. Hirmer: Fünf Jahrtausende Mesopotamien, München 1962, p. 157.

میباشد. نکته جالبتر پیشنهادی است که در هر دو تصویر با شباهت بسیار زیادی خودنمایی میکند.

در روی يك استوانه‌ی متعلق به دوره کاسیت‌ها، که در نیمه‌ی دوم هزاره دوم پیش از میلاد در بین‌النهرین فرمانروایی داشته‌اند، نیز دوفنر در وسط نقش روی استوانه دیده میشوند که طرز ایستادن آنها در مقابل یکدیگر کاملاً مطابق تصویر دوفنر سمت چپ و وسط مهر بابلی مورد بحث ما میباشد. البته این نقش - بسبب آنکه قدمت آن پیاپی نقش استوانه بابلی نمیرسد - بمراتب بهتر و سالم‌تر مانده است. (شکل ۷)

در هر صورت وجود این دو استوانه و لوحه‌ی نارام سین دلیل روشنی دیگر بر پیوستگی و استمرار هنر بین‌النهرین در طی سده‌های متمادی و مختلف تاریخی این سرزمین میباشد.

با کتیبه‌های مربوطه آنها پیوستگی نداشته‌اند؟ از آن گذشته دلیلی ندارد که در روی مهری نام چند نفر ذکر گردیده ولی نقوش روی آن مربوط به موضوع و اشخاص دیگری باشد.

موضوع دیگر آنست که در روی آثار هنری ناحیه بین‌النهرین - تا آنجا که نگارنده آگهی دارد - لباسی همانند دامن یا پیشبند نفر اول سمت چپ روی مهر کمتر دیده شده است تنها در يك جا نقش این پیشبند بطور کامل و دقیق در روی سنگ نفر گردیده است و آنهم در روی لوحه سنگی کتیبه‌دار نارام سین میباشد.

نارام سین در سالهای میان ۲۲۶۰ تا ۲۲۲۳ پ م دراکد حکومت داشته است. (شکل ۶)

موضوع نقش لوحه نارام سین پیروزی وی در یکی از جنگهای معروفش میباشد و بطوریکه ملاحظه میشود پیکر نارام سین، از نظر ایستادن و قرار گرفتن دستها، درست همانند نقش شخص اول سمت چپ روی مهر بابلی مورد بحث ما

بایستی حتماً رابطه‌ای میان نقش و کتیبه موجود باشد.

تصویرهای نفر وسط و دست راست بدون شك از خدایان میباشد. در کتیبه هم از سین خدای ماه و از ادد خدای توفان نام برده شده یعنی این دوفنر همان سین و ادد میباشد.

چنانچه گمان من درست باشد شخص اول دست چپ، که نشان خدائی ندارد، همان مردوک موبالیت صاحب این مهر میباشد، که در مقابل خدای سین - که برای او دعا و نیایش میکند - ایستاده است.

البته این گمان من شاید گستاخانه باشد چون تا آنجا که آگهی دارم تا بحال دانشمندان آسورشناس هنوز رابطه نزدیک میان نوشته‌ها و نقوش روی اینگونه مهرها را دقیقاً مورد بررسی قرار نداده‌اند. ولی از طرفی گمان من در مورد رابطه و پیوستگی نزدیک میان کتیبه و اشخاص روی این مهر بایستی با حقیقت وفق دهد. مگر نقوش برجسته دورانه‌ی اپلامی تا ساسانیان همیشه

1 - Fischer ... P. 106.